

تاریخ و عملکرد مافیا

طاهره بدیعی

عنوان و پدیدآور:	تاریخ و عملکرد مافیا: مترجم طاهره بدیمی.
مشخصات نشر:	تهران: روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۹
مشخصات ظاهری:	۲۹۶ ص. ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک:	ISBN 978 - 964 - 194 - 040 - 1
فهرست نویسی:	فیا
یادداشت:	نام نویسنده کتاب در کتاب اصلی هم به دلیل ترس از مافیا نیامده است.
یادداشت:	عنوان اصلی: Trattato sulla mafia
موضوع:	مافیا
موضوع:	مافیا - ایتالیا
شماره افزوده:	بدیمی، طاهره. - ۱۳۳۴ - مترجم
رده بندی کنگره:	H۷۶۴۴۱/ت۱۳۸۸
رده بندی دبیری:	۳۶۴/۱۰۶
شماره کتابخانه ملی:	۱۸۹۴۳۵۰

تاریخ و عملکرد مافیا

- نویسنده: نام نویسنده به دلیل ترس از مافیا در نسخه ایتالیایی نیامده است.
- مترجم: طاهره بدیمی
- نوبت چاپ و تاریخ: اول - ۱۳۸۹
- حروفچینی و صفحه آرایی: روشنگران
- تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه
- لینوگرافی: دنیای تجسم و تصویر تلفن: ۸۸۸۴۶۸۹۱
- چاپ و صحافی: ایماژ
- قیمت: ۷۰۰۰ تومان

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان: تلفاکی: ۸۷۱۶۳۹۱ - ۸۷۲۲۶۶۵ - ۸۷۲۳۹۳۶

E_mail: Shahla_a_jahiji@hotmail.com

تهران: صندوق پستی: ۵۸۱۷ - ۱۵۸۷۵

E_mail: Roshangaran.Publishing@Yahoo.com

فروش از طریق شبکه پستی تلفن: ۸۸۷۱۶۳۹۱

۱- مراکز پخش: ۱- ققنوس: انقلاب، خ اردیبهشت، ک مبین، پ ۲۳۳ تلفن: ۴۳۰۰۸۶۴۰

۲- گزیده: انقلاب، خ فخر رازی، پلاک ۱۳، تلفن: ۶۶۴۰۰۹۸۷

۳- روشنگران: خ لبافی نژاد، بعد از ابوریحان، پ ۱۱۲، ۶۶۹۵۴۰۷۳ - ۶۶۹۷۰۱۳۶

ISBN 978 - 964 - 194 - 040 - 1

شابک ۱ - ۰۴۰ - ۱۹۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸

فهرست

۵	معرفی.....
۹	فصل اول: خلاصه‌ای از تاریخ سیسیل.....
۱۷	فصل دوم: مختصری از تاریخ سیسیل مافیایی در زمان استیلای بوریون‌ها.....
۲۳	فصل سوم: مختصری از تاریخ سیسیل مافیایی (تحت سلطه‌ی سلسله ساوویا).....
۷۹	فصل چهارم: ریشه‌های لغت مافیا.....
۸۳	فصل پنجم: منشاء مافیا.....
۹۷	فصل ششم: مافیا چیست؟.....
۱۰۳	فصل هفتم: نظام مافیا.....
۱۱۷	فصل هشتم: مافیا و سلسله مراتب آن.....
۱۳۷	فصل نهم: مافیا و اُمرتا (همدستی).....
۱۵۷	فصل دهم.....
۱۶۷	فصل یازدهم.....
۱۷۵	فصل دوازدهم.....
۱۸۱	فصل سیزدهم.....
۱۸۵	فصل چهاردهم: مافیا و نحوه‌ی عضوگیری‌اش.....

۲۰۳	فصل پانزدهم: سوگند نامه‌ی مافیا
۲۱۳	فصل شانزدهم: مافیا پس از تعمیم (نامه‌ی مدرک)
۲۱۵	فصل هفدهم: مافیای درجه یک
۲۲۱	فصل هجدهم: مافیا و سران مافیا یا مافیای درجه‌ی دو
۲۳۳	فصل نوزدهم: مافیای عالی یا مافیای درجه‌ی ۳
۲۵۱	فصل بیستم: مافیا و ادله‌اش یا مافیا و فرار از قانون

معرفی

قبل از آن که کتاب را مطالعه کنید، می‌خواهم گوشه‌ای از زندگی خودم را برایتان بگویم. من بیچاره‌ی نادانی هستم از پدر و مادری بسیار زحمت‌کش و به همان اندازه ساده‌ لوح و نادان، بنابراین از ابتدا مرا طوری پرورش دادند که می‌بایست همیشه برای ثروتمندان و اغنیا ارزش و اعتبار خاصی قائل می‌شدم، زیرا با پول آن‌ها بود که ما مستضعفان و مستمندان امکان کار کردن و زیستن برایمان فراهم می‌شد. چه حماقتی!!

در سال ۱۹۴۶، در زمان رفرا ند م قانون اساسی برای انتخاب بین رژیم جمهوری یا سلطنتی، پدرم مرا قانع کرد که به رژیم سلطنتی رأی بدهم زیرا از دید او، اگر شاه سقوط کند دنیا به آخر می‌رسد و بدون شاه و بی‌وطن می‌مانیم؛ و اگر بدون شاه بمانیم دیگر چه کسی می‌تواند پول چاپ کند؟

رشد کردن و تربیت شدن با چنین پدری که به تمام قوانین احترام می‌گذاشت و آن قدر بزدل و ترسو بود که می‌ترسید اگر شاه سقوط کند دیگر وطنی نخواهد داشت، دیگر چه راهی به جز چسبیدن به کار برای من باقی می‌گذاشت؟ با در نظر گرفتن این که اصولاً در سیسیل کار همیشه کم بوده و من باید خودم را برای هرگونه فعالیتی آموخته و آماده می‌کردم، مثلاً: کمک کردن به پدرم وقتی که با قایق قراضه‌اش برای گرفتن ماهی از خانه خارج می‌شد. و یا بیل زدن و وچین کردن تکه زمین لچکی، که تنها مایملکش بود. در عین حال کمک کردن به سایر دهقانان و زارعین در کشتزارها، عملگی یا گنج‌کاری ساختمان یا کارهایی از این قبیل. همه‌ی این‌ها برای این بود که فقط یک روز لعنتی را به شب برسانم. وقتی به سن قانونی رسیدم توانستم از یوغ سلطه‌ی پدر خارج شوم. جلای وطن کردم، اول به بلژیک و بعد به

آلمان رفتم و بعد در کشتی مفسدین جای گرفتم، یعنی در میلان بزرگ توقف کردم و آنجا بود که یک کار بی‌ارزش و ساده در تأسیسات مترو پیدا کردم. سپس شغل پرمفعت‌تری پیدا کردم؛ واسطه‌گری زنان روسپی! آه سرانجام چه کار با شکوهی! خوب خوردن، شیک پوشیدن، بدون فشار کارهای بدنی شاق. به‌علاوه‌ی فعالیت بسیار خوش‌آیند دلالتی روسپی‌ها، تازه وقت اضافی هم برای خواندن و آموختن و همچنین پالایش روح خودت هم داری.

طبیعتاً چنین شغلی باعث می‌شود ریسک به زندان افتادن هم بیشتر شود. بالاخره روز دستگیری فرارسید. محکومیت به چهارسال زندان. پس از این که چهار سال زندان را پشت سر گذاشتم باز یک سال باشکوه دیگر و یک زندگی زیبا و باز هم زندان. در مجموع ۱۵ سال زندان که از این ۱۵ سال ۱۰ سالش را در زندان‌های سیسیل گذراندم.

زندگی یک زندانی سخت است، اما کافی است بداند چگونه خودش را با محیط وفق دهد، همان‌گونه که خودش را با کارهای بدنی و شاق وفق می‌دهد. فقط جای آزادی خالی است. در زندان کارهای بدنی انجام نمی‌شود، در آنجا خیلی چیزها دیده می‌شوند و خیلی چیزها را انسان می‌فهمد و فرصت آن را دارد که در ذهنش یادداشت بردارد و بنویسد. به‌علاوه، در زندان فرصت زیادی برای خواندن و خواندن و وجود دارد.

از همه‌ی این توجهات و بحث‌ها و گفتگوها و اعتمادهایی که بین افراد ردوبدل می‌شد و هم‌چنین با دقت خواندن و علاقمند شدن به بسیاری از کتاب‌ها و روزنامه‌ها، این کتاب بیرون آمد که اصلاً فکر چاپ آن را نمی‌کردم، برای آن که هیچ ناشری جرأت چاپش را نداشت. و اما یک روز به‌طور اتفاقی با یک مؤلف و ناشر به‌نام آقای ژوزف زاگو^۱ آشنا شدم. با او در مورد یکی از کتاب‌هایش بحث کردیم و در ضمن صحبت‌ها رشته‌ی کلام به یادداشت‌های من کشیده شد که قرار بود تا آخر عمر من در یک صندوقچه محبوس بمانند. ولی برعکس، پس از حرف زدن‌های فراوان، مرور کردن‌ها، وعده‌ها و پیشنهادهای پشت سر هم... بالاخره با خوشحالی و خرسندی با چشم‌های خودم دیدم که بدون هیچ دخل و تصرف از طرف هرکس و ناکسی - آن چنان که آرزویم بود - این کتاب به چاپ رسید.

از شما سپاسگزارم آقای زاگو. و از شما آقایان توماس بوشه، سالواتور کنتورنو و ژوزف اینسولیتو که با شرح ندامت‌های خود برای من شرایطی فراهم کردید که یادداشت‌هایم را کامل کنم. یک سپاس بیکران از روزنامه‌ی «لاسی‌چی‌لیا»^۱ که با درج کلیه‌ی مطالب ماکسی پروسه‌ی پالرمو و محاکمه‌ی بزرگ مسینا به من این امکان را داد که این محاکمات را کلمه‌به‌کلمه دنبال کنم. در پایان یک تشکر بسیار صمیمانه از شما نویسندگان و روزنامه‌نگاران که در طول متن به نوشته‌ها یا به نام‌هایتان اشاره شد و به من تاریخ سیسیل را آموختید، تاریخی واقعی و بسیار متفاوت از آنچه که در مدارس ابتدایی و متوسطه می‌خوانیم، از همه سپاسگزارم. از طرف یک بیچاره‌ی نادان که هیچ ادعایی برای کشف مافیا و مافیایی‌ها ندارد.